

# سخنی پیرامون یک واژه قرآنی

استاد دکتر شهرام هدایت

آنچه از نظرتان خواهد گذشت، فشرده سخن گوینده در درس تفسیر ایشان است که از روی نوار نوشته و خلاصه شده است.

وامطرنا عليهم حجارة من سجيل منضود مسومة عند ربك و ماهي من الظالمين ببعيد

هرد/۸۳

و بر آنها سنگهایی (سنگ و گل) در هم فشرده و سخت بارانیدیم. مسومه‌ای از پیش خداوندگارت و آن از ستمکاران دور نیست.

لنرسل عليهم حجارة من سجيل مسومة عند ربك للمسرفين

ذاریات/۳۴

بر ایشان سنگهایی (سنگ و گل) می فرستیم. مسومه‌ای از پیش خداوندگارت برای اسرافکاران.

سخن مادر این دو آیه بر سر واژه "مسومه" است، که باید درباره مفهوم آن با هم گفت و گو کنیم، ولی پیش از آغاز سخن، بد نیست تا نمونه‌ای از مطالبی که در این زمینه در کتابهای لغت یا تفسیر یا تراجم قرآن آمده است را با هم مرور کنیم. نخست ترجمه‌هایی که از آیه اول شده است:

و بیاریدیم بر ایشان سنگهایی سخت از دوزخ یک بر دیگر نشان کرده نزدیک خدای تو و... و در نسخه بدل: نشان کرده نام هر کس نزد خداوند تو.<sup>۱</sup>

و فرو بارانیدیم به ایشان سنگهای سخت در دیدار گل و در تاشش سنگ و اندرون آتش آکنده، بر هم نشانده و بر هم داشته پیاپی نشان بر کرده هر سنگی آن کس را که وی را آفریده بودند، پیش از آن شب در آسمان نزدیک خداوند تو.<sup>۲</sup>

و بارانیدیم بر آن سنگها از سنگ و گل بر هم نهاده نشان کرده نزد پروردگارت.<sup>۳</sup>  
و بر آنان سنگ بارانیدیم که با گل آمیخته و سخت بود و نزد پروردگار تو و در علم او علامت‌گذاری شده بود و در خور آن نبود که از هدفی که پرتاب شده بود تا بدان اصابت کند، تخطی کند.<sup>۴</sup>  
و بارانی از سنگ گلهای متحجر متراکم بر روی هم بر آنها نازل نمودیم، سنگهایی که نزد پروردگارت

۲. میدی، ص ۱۵۴.

۱. طبری، ج ۴-۳ ص ۷۲۰.

۴. العیزان، ج ۱۰، صص ۳۴۳-۳۴۵.

۳. ابوالفتح، ص ۲۴۸.

نشان‌دار بود.<sup>۱</sup>

امانمونه‌هایی از ترجمه‌های آیه دوم:

تا بفرستیم بر ایشان سنگها از گل نامرده نزدیک خدای تو گزافکاران را.<sup>۲</sup>

تا فرو گشاییم و ریشان سنگهایی از گل نشان کرده و نام بر نوشته نزدیک خداوند تو در آسمان گزافکاران را.<sup>۳</sup>

تا فرو فرستیم سنگهایی گلین بر ایشان نشان کرده نزد پروردگار تو از بهر از حد گذرندگان.<sup>۴</sup>  
بر آنها سنگی از گل نشان شده نزد پروردگارت برای مسرفان.<sup>۵</sup>

تا بر ایشان سنگها فرو بارانیدیم از گل پخته همچون خشت پخته کرده بر آن سنگها نام آن کس نبشته باشد که بر سر او فرو آید به خطی سیاه بر سنگی سرخ نبشته باشد از نزدیک خدای تو بدان سنگها بر آن مسرفان و مشرکان قوم لوط.<sup>۶</sup>

تا رهاکنم بر سرشان سنگی از گل، گلی که چون سنگ سفت باشد و... (مسومه) درحالی که آن سنگها در نزد پروردگارت نشان دارند و برای نابود کردن همان قوم نشان‌گذاری شده‌اند. تسویم به معنای علامت نهادن بر هر چیز است، چون از مصدر (سومه) اشتقاق یافته که به معنای علامت است.<sup>۷</sup>  
تا بارانی از سنگ گل بر آنها بفرستم. سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان شده است.<sup>۸</sup>

مجمع‌البیان در مورد "مسومه" می‌نویسد: "هی صفة الحجارة ای معلمه جعل فیها علامات تدل علی أنها مُعَدَّة للعذاب و قیل مُطَوَّقة بها نضخ من حمرة و قیل کان مکتوباً علی کل حجرة منها اسم صاحبها و قیل علیها سیماء لانتا کل حجارة الارض"<sup>۹</sup>

آن سنگها نشانه‌هایی داشتند که نشان می‌دادند آنها برای عذاب تهیه شده‌اند و بر آنها نشانه سرخ رنگی بود و گفته‌اند که بر هر یک از آن سنگها نام صاحب آن (کسی که باید آن سنگ بر سرش بخورد) نوشته شده بود و آنها شکلی داشتند که با شکل سنگهای زمین تفاوت داشت. همین تعبیرات در متون دیگر هم آمده است: شریف رضی می‌گوید:

"و قوله سبحانه فی صفة الحجارة المرسله علی قوم لوط: (مسومه عند ربک...) و هذه استعارة لأن حقيقة التسویم هی العلامات التي یعلم بها الفرسان والافراس فی الحرب للتمیز بین الشعارات والتفریق بین الجماعات... و قد قال بعضهم ان تلك الحجارة كانت علی الحقیقه معلمه بعلامات

۲. طبری، ج ۷، ص ۱۷۰۳.

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۸۶.

۴. نسفی، ج ۲، ص ۷۵۵.

۳. میدی، ص ۳۶۶.

۶. تفسیر کبریج، ج ۲، ص ۲۷۹.

۵. ابوالفتح، ص ۵۷۴.

۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۵۳.

۷. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۹. مجمع‌البیان، ج ۶-۵، ص ۱۸۵.

تدلّ علی أنّها اعدّت للعذاب و أفردت للعقاب.<sup>۱</sup> و قيل ان التسويم فی تلك الحجارة هو ان تجعل نكته سوداء فی الحجر الابيض او نكته بيضاء فی الحجر الاسود. و قيل كان علیها امثال الطوابع والخواتيم.<sup>۲</sup>

شیخ طوسی می‌گوید: و قوله مسومه، یعنی معلمه و ذلك انه جعل فیها علامات تدل علی انها معدة للعذاب فاهلکوا بها.. و قيل كانت محظطة بسواد و حمرة.<sup>۳</sup>  
در تفسیر نمونه آمده است که:

"سنگها شباهتی با سنگهای زمینی نداشت، بلکه مشاهده وضع آنها نشان می‌داد که نوعی سنگ آسمانی است که از خارج از کره زمین به سوی زمین سرازیر شده است.<sup>۴</sup> و هر کدام (از آن سنگها) علامتی داشته و برای فرد معین و نقطه خاصی نشانه‌گیری شده بود تا مردم بدانند که مجازاتهای خداوند آنچنان حساب شده است که حتی معلوم است کدام فرد مجرم با کدام سنگ باید نابود شود.<sup>۵</sup>

این نمونه‌ای بود از آراء مفسران گذشته و حال. دیدیم که "مسومه" نشان‌دار معنا شده و در بیان چگونگی این نقش و نشان چه سخنها گفته و نوشته شده است: نام کسی که باید بر سر آن فرو آید بر آن نوشته بوده. نشانه به گونه‌ای بوده است که نشان می‌داده برای عذاب تهیه شده. به خط سیاه بر سنگ سرخ نوشته بوده. بر هر سنگ نشان سرخ رنگی بوده. هر سنگ اگر سیاه بوده نقطه‌ای سفید داشته و اگر سفید بوده نقطه‌ای سیاه داشته. نقش آن شبیه نقش مهر و خاتم بوده. نشانه به گونه‌ای بوده است که نشان می‌داده است که از خارج از کره زمین آمده، و سخنهای بسیار دیگر.

و اما سخن این فقیر. ما در هنگام بحث از واژه "مسومین" در سوره آل عمران به مفاهیم گوناگون ریشه واژه "سام-سوم" در زبانهای سامی و از جمله زبان عربی اشاره کردیم و درباره برخی از مشتقات آن در قرآن سخن گفتیم.<sup>۶</sup> اصلی‌ترین معنا و مفهوم مشترک این ریشه واژه در زبانهای سامی "روانه کردن"، "فرستادن"، "گسیل داشتن" بود<sup>۷</sup> که در خود زبان عربی هم مشتقاتی از واژه به این معنا به کار رفته است.

به نظر این فقیر "مسومه" در این دو آیه مورد بحث هم همین معنا را دارد. می‌گوید: "و بارانیدیم بر آنها سنگهایی سخت"<sup>۸</sup>، فرو فرسته‌ای / فرو فرستاده‌ای از سوی خداوندگارت که ستمکاران از آن برکنار

۱. شریف رضی، تلخیص البیان، ص ۱۶۴.

۲. شریف رضی، تلخیص البیان، ص ۴۱۳.

۳. طوسی، تبیان المجلد السادس، ص ۴۶.

۴. تفسیر نمونه، ص ج ۹، ص ۱۹۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۵۶.

۶ و ۵ و ۸. ک. به هدایت، شهرام، "بحث درباره چند واژه قرآنی از دیدگاه زبانشناختی" مجله مترجم، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۳۶.

۸. "منضود" یعنی به هم فشرده و سخت، نه چنانکه برخی از مترجمان و مفسران گفته‌اند: "مرتب روی هم چیده" یا "به رشته کشیده" و...

نخواهند ماند، رهایی نخواهند داشت، جان بدر نخواهند برد. "و آیه دوم می‌شود:  
 "تا بفرستیم برایشان سنگهایی گلین، فرو رسته‌ای / فرو فرستاده‌ای از سوی خداوندگارت برای زیاده  
 روان / گزافه کاران، که مفهوم این فرو فرسته / فرو فرستاده، می‌تواند عذاب خداوند باشد.

نکته جالب اینکه راغب در معنای ریشه واژه "سوم" مفهوم درستی را آورده و واژه را درست معنا کرده است. او می‌گوید: "سوم، الذهاب فی ابتغاء الشئ" یعنی در پی چیزی رفتن، که مفهومی است بسیار نزدیک به مفهومی که ما از آن سخن گفتیم، ولی متأسفانه در معناکردن مشتقات واژه باز به سراغ همان نشان و علامت و چیزهای دیگر رفته است.

در مورد یک نکته دیگر در آیه نیز که مایه بدفهمی‌های بسیار شده است، و مشکلاتی در ترجمه آیات پدید آورده است باید توضیح کوتاهی بدهم.

عبارت "عند ربك" در آیه را مفسران "پیش خدا"، "در علم خدا"، "در خزائن خدا"، "در قدرت خدا"، "در ملکوت خدا" و... معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup> و از آن برداشته‌های شگفت‌انگیزی داشته‌اند، درحالی‌که "عند ربك" در اینجا یعنی "من عند ربك". در معنای "عند" مفهوم حرف اضافه مستتر است و این حرف اضافه برحسب مورد می‌تواند "در"، "به"، "با"، "از" و... باشد. مثلاً "عند" در برخی از آیات قرآن به معنای "از پیش" است، مانند آیه "قل انما الآيات عند الله" در سوره‌های انعام: ۱۰۹ و عنكبوت: ۵۰. یعنی بگو این آیات تنها از پیش خداست، از سوی خداست و نه آیات پیش خداست، یا آیه "سَيُصِيبُ الَّذِينَ اجْرَمُوا صِفَاؤُاَ عِنْدَ اللَّهِ و عَذَابٌ شَدِيدٌ - انعام: ۱۲۴" یعنی بسی زود آن کسان که بزحکار شدند را حقارتی / خواری و عذابی سخت از سوی خدا در خواهد گرفت، نه پیش خدا خواری و عذابی سخت دارند، زیرا این معنا با "سَيُصِيبُ" در آغاز آیه مناسبتی نمی‌تواند داشته باشد، یا آیه "و قالوا لن تمسنا... قل اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهدك - بقره، ۸۰" یعنی "اتخذتم من عند الله" یا "اتخذتم من الله" یا آیه "اطلع الغيب ام اتخذ عند الرحمن عهدك - مريم: ۷۸ و ۸۷" یعنی "من عند الرحمن" یا "من الرحمن" یا آیه "فابتغوا عند الله الرزق - عنكبوت: ۱۷" یعنی "فابتغوا من عند الله الرزق" یا "فابتغوا من الله الرزق" از خدا روزی بخواهید، نه در پیش خدا روزی بخواهید. و آیات دیگر.

در آیاتی هم، چنانکه اشاره شد، "عند" به معنای "به پیش" و "با" است. مثلاً در آیه "قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك - اعراف: ۳۴" یا در آیه "يا ايها الساحر ادع لنا ربك بما عهد عندك - زخرف: ۴۹" یعنی خدایت را به آن عهدی که با تو و به پیش تو دارد، برای ما بخوان. یا آیه "و من اظلم ممن كنتم شهادة عنده من الله - بقره: ۱۴۰" یعنی شهادتی را که از خدا به پیش او و با او هست کتمان کند. یا آیه "علی علم عندی - قصص: ۷۸" یعنی بنابه علمی که با من است، علمی که من دارم. یا آیه "ما عندی ما تستعجلون به ان الاحکم

۱. راغب، ص ۲۵۶. رشید رضا نیز در المنار می‌نویسد: الخيل المسومة: ذهب بعضهم الى... المنار، جز الثالث، ص ۳۴۴.

۲. شریف رضی: "والمراد بقوله تعالى: عند ربك... انها مسومة في سلطان الله تعالى و ملكوته - تلخیص البیان، ص ۳۱۳.

شیخ طوسی: "و قوله عند ربك معنا، فی خزائنه التي لا يتصرف فی شیء منها الا باذنه - تبیان المجلد السادس، ص ۴۶.

الآلله-انعام: ۵۷ و ۵۸. یعنی آنچه شما بدان شتاب دارید و می‌خواهید، با من نیست، به دست من نیست. آیات دیگری را نیز به عنوان شاهد می‌توان ذکر کرد، ولی به نظر می‌رسد که همین مثالهای گفته شده مطلب را روشن کرده باشد.

### کتابنامه

- ۱- ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب یغمایی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران ۱۳۵۶.
- ۲- قرآن کریم با ترجمه نوبت اول از کشف‌الاسرار میدی، انتشارات ابن سینا، تهران.
- ۳- قرآن کریم با ترجمه فارسی از تفسیر ابوالفتوح رازی، انتشارات جاویدان، تهران.
- ۴- المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمد حسین الطباطبائی، الطبعة الثالثة، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت- لبنان ۱۹۷۴ م.
- ۵- تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۵۳.
- ۶- تفسیر نسفی، ابو حفص نجم‌الدین عمر نسفی، به تصحیح عزیزالله جوینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۳.
- ۷- تفسیر قرآن مجید، نسخه دانشگاه کمبریج، به تصحیح جلال متینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹.
- ۸- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الشیخ ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان ۱۳۷۹ ق.
- ۹- التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان.
- ۱۰- تلخیص البیان فی مجازات القرآن، الشریف الرضی، حقه و قدم علیه محمد عبدالغنی حسن، مکتبه بصیرتی، قم ۱۳۷۴ ق.
- ۱۱- مجله مترجم (شماره ویژه مباحث ترجمه قرآن) سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۲.
- ۱۲- مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، تحقیق، ندیم مرعشلی، المکتبه المرآتیه، بیروت ۱۳۹۲ ق.
- ۱۳- المنار، تفسیر القرآن الحکیم، محمد رشید رضا، دارالمعرفه، الطبعة الثالثة، بیروت- لبنان.